

متن فرمان

«بالقدره الكامله الاحديه

والقوه الشاملة الاحمديه

ابوالمظفر جهانشاه بهادر سوزوميز

بر مقتضى كلام ربانى وتنزيل سبحانى عزوجل حيث قال قل لا اسئلكم عليه
اجراً الى المودة فى القربى ، و فحوى حديث سيد رسل و هادى سبل تركت
فيكم الثقلين كتاب الله و عترتى ، تعظيم و اكرام و توقير و احترام سادات عظام

که نور حدقه لولاک و نور حدیقه و ما ارسلناک اند موجب فوز و نجاته دارین و سبب رفع درجات منزلت خواهد بود خاصه نسبت باطایفه ای که صیت طهارت نسب ایشان در اقطار و اکناف بل من القاف الی القاف چون نور خورشید عالم گیر و در بسط غیرا ورد زبان صغیر و کبیر است و صحت انتساب سادات رضویه با حضرت سید کونین و خواجه ثقلین محمد الامی العربی الهاشمی الابطحی علیه من الصلوة افضلها و من التحیه اکملها ما خطب عناد الاحطاب علی رؤس منابر الاشجار و صحت من بکاء السحاب مباسم الانوار و الازهار . از غایت ظهور و وضوح از شرح مستغنی است . هر آینه در اعلاء منزلت و ارتقاء مرتبت و اسعاف مطالب و انجاس مارب این خانه و اده مبارک بروجهی التفات باید نمود که شایسته دولت قاهره باشد . ولله الحمد و المنة که از ابتدای طلوع آفتاب جهانگشائی و ظهور تباشیر صبح فرمانروائی که مفاتیح ابواب خیر و شر و مقالید امور نفع و ضربه قبضه اقتدار ما باز داده اند . دقایق اعزاز و احترام ایشان مهمل نگذاشته ایم و همت بر حصول مقاصدشان مصروف داشته .

مقصود از ترتیب این مقدمات و غرض از ترکیب چنین کلمات آنکه چون سیادت ماب نقابت مناب مرتضی اعظم اکرم ملک السادات و النقباء اعتضاد آل عباس لیل الامام علی بن موسی الرضا علیه السلام السید الامجد نظام الملتة و الدین احمد . آدام الله تعالی بقائه و سعادتة احکام سلاطین ماضیه خصوصاً خاقان سعید شاهرخ میرزا که به امضای نشان سلطان مرحوم مبرور امیر تیمور کورکان انار الله مرقد هما نافذ شده مشتمل بر آنکه : از قدیم الایام الی یومنا هذا منصب نقابت و قوام سادات و تولیت اوقاف روضه منوره و تربت مقدسه امام زاده معصومه بنت الامام سمی فاطمه علیها و علی آبائها التحیه و السلام با آباء عظام و اجداد کرام جناب مشار الیه بلامد اخلت و مشارکت غیر مفوض بوده و هر یک از ایشان که بر مصدوق کل شیئی هالک الا وجهه به جوار رحمت حق پیوسته اند نوبت تقلد آن شغل عظیم الاشان به اولادشان بلامشارکت منتهی شده بعرض همایون رسانید و التماس امضاء کرد .

چون استحقاق و استیصال جناب مومی‌الیه اظهر من الشمس و ابین من الامس است ، ملتزم او مبذول داشته به مقتضی ان الله یامرکم ان توددوا لامانات الی اهلها رجوع این امر خطیر بلا مشارکت غیری بدو تفویض فرمودیم و بسر او ارزانی داشتیم تا چنانچه از قط و شرط هرکاری اوسزد بوظایف آن کماینبغی قیام نموده و محصول موقوفات را بموجب شرع و شروط واقف بمصرف و جوب برساند و رقیبات را معمور داشته و در رواج رونق این بقعه عالییه غایت اجتهاد به تقدیم رساند .

فرزندان کامکار نصرت شعار ابقاهم الله تعالی و امراء نامدار و وزرای رفیع مقدار و سادات و حکام و قضاة و متصدیان اعمال و اکابر و اصول و صواحب و صدور و سکان او طان بلده المؤمنین قم من التوابع و اللواحق باید که مرتضی اعظم مشارالیه را متصدی مناصب مذکور دانسته شرایط اجلال و اکرام بجای آورند و در امری که سبب انتظام و رونق روضه معطره مذکور باشد لوازم امداد مرعی دارند و از صواب دید او که در باب رواج و ضبط امور و اعمال روضه منوره مذکور گردد برون نروند و عزل و نصب خادمین و مشرفان و مجاوران مشهد معطره مذکوره برای او متعلق شناسند و در تحقیق انساب سادات که بعهد اوست معاونت و همراهی لازم دانسته مجال حمایت هیچ آفریده‌ای ندهند و نیز نسق و قطع و فصل معاملات شرعی و عرفی سادات بدو مفوض شمرند ، مرتضی مشارالیه نیز باید در تعظیم سادات علی‌اختلاف مراتبهم بواجبی بکوشد و حصه هر یک را از ذورات و اوقاف بدستور سابق و شرط واقف برساند و معاش بنوعی نماید که یوم لاینبغ مال و لانبون الامن آتی الله به قلب سلیم مرضی و مشکور باشد و چون حسب السطور بدین مهمات اقدام نماید حق النقاب و رسم التولیه بدستور معیار سابق تصرف نماید و زیاده توقع نکند و چون به توفیق تشرف موشح گردد اعتماد کند . تحریراً فی سابع عشرین ... جمادی الاول ... سبع و ستین و ثمانمائه .»